

وزارت خانه جدیدی به نام «رفاه و قامین اجتماعی»

"جامع" و "کامل" آن خواهد بود. هر کارگر و زحمتکشی به تجربه می‌داند که آن چه در این میان مطرح نیست، بهبود و رفاه توده زحمتکش است. پس هدف رژیم از تاسیس وزارت خانه جدیدش چیست؟ آیا می‌خواهد با این اقدام کارگران را فریب دهد یا هدف دیگری دارد؟ پیش از این که به هدف واقعی دولت و مجلس از تاسیس وزارت خانه جدید بپردازیم، نخست ببینیم که رفاه و سیستم جامع تامین اجتماعی یعنی چه واز دید سران حکومت اسلامی به چه معناست؟ وزارت خانه جدید، مقدم برهر چیز گویا وزارت رفاه است. رفاه یعنی چه؟ هر کسی می‌تواند تعبیری از رفاه داشته باشد. یکی می‌تواند بگوید، رفاه همین چیزیست که در آمریکاست. کشوری با ثروت های

صفحه ۸

جنبش دانشجویی، یک گام به پیش

مجلس ارتقای اسلامی، پیشنهاد دولت را مبنی بر ایجاد وزارت خانه جدیدی با نام "پر طمطراق" وزارت رفاه و تامین اجتماعی و با "هدف تحقیق و اجرای نظام جامع تامین اجتماعی تصویب نمود". دولت و مجلسی که در این چند سال هرچه در توان داشته کردند تا کاربیشینیان خود را در جهت فقر و محرومیت هرچه بیشتر توده های کارگر و زحمتکش تکمیل کنند و امروز کشوری با دو سوم جمعیت زیر خط فقر، میلیون ها انسان گرسنه، حداقل ۶ میلیون بیکار، مت加وز از ۲ میلیون معتاد، تنها، کوشش ای از کارنامه سیاه و ننگین، رژیم را به همگان نشان می‌دهد، حالاً ادعایی کنند که این وزارت خانه را از آن رو می‌خواهند تاسیس کنند که کارش اختصاص رفاه توده مردم از طریق برقراری یک نظام تامین اجتماعی، آنهم از نوع

به رغم همه موافع و محدودیت‌های مختلف و به رغم تشذیب اقدامات پلیسی و سرکوب گرانه رژیم، به ویژه بعد از اعتراضات سراسری و تظاهرات گسترده خیابانی دانشجویان در خرداد ماه سال جاری، امسال نیز دانشجویان در بسیاری از دانشگاه‌های استقبال ۱۶ آذر روز دانشجو رفتند و با برپایی مراسم بزرگداشت، برگزاری جلسات سخنرانی و دایر کردن تربیيون بحث، اعتصاب، راهپیمایی و تظاهرات، این روز تاریخی و فراموش نشدنی را، گرامی داشتند. البته ارتقای اسلامی که تجربه خیابانی شدن اعتراضات دانشجویی در تیر ۷۸ و خرداد ۸۲ را با خود داشت، بیش از گذشته نسبت به این موضوع و تحرکات دانشجویی حساس و شدیداً مراقب بود که اوضاع، به اعتراض و تظاهرات دانشجویی کشیده نشود و اگر هم چنین شد، این اعتراضات و تظاهرات در چاره دیواری دانشگاه‌ها محدود و محصور بماند. با این همه علی رغم تمام این مراقبت‌ها و مانع تراشی‌ها، دانشجویان در اشکال مختلفی دست به اعتراض زدند و در مواردی انتراضات و تظاهرات خود را به بیرون از دانشگاه‌ها و خیابان‌ها نیز کشاندند که از جمله می‌توان به تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران اشاره نمود که به رغم جو خفقات و سرکوب و حضور گسترده و پرشمار نیروهای سرکوب انتظامی، بگانه‌های ویژه و لباس شخصی‌ها که در تمام خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران مستقر شده بودند، دانشجویان تظاهرات خود را از خیابان جلو - جویان تظاهرات خود را از خیابان دانشگاه آغاز نمودند و در ادامه، در خیابان کارگر شمالی به سمت کوی دانشگاه دست به راهپیمایی زدند.

اگرچه شکل عمده مبارزه و اعتراض دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر، در اساس محدود به راه پیمایی و تظاهرات در درون دانشگاه‌ها شد و این اعتراضات در بیرون

پیام سازمان فدائیان (اقلیت) به دانشجویان مبارز سراسر کشور

صفحه ۳

به مناسبت ۱۶ آذر

امواج اعتراضات توده‌ای در آمریکای لاتین علیه نولیبرالیسم

"جهانی شدن" در تمامی این کشورها که امپریالیست‌های آمریکایی و موسسات مالی امپریالیستی نظریه‌صندوقد بین‌المللی پول تمام شریان اقتصادی این کشورها را در دست دارند و کاربیست سیاست‌های ضد انسانی‌اکنون پس از گذشت تقریباً یک دهه، نتایج این نسخه‌های اقتصادی ویرانگر را بیش از آن‌آشکار نموده است. آن‌ها به توده‌ها و عده دستیابی به بهشت

صفحه ۶

تنها در عراق نیست که امپریالیسم آمریکا پا موج مقاومت توده‌ها روبرو است. در گوش دیگرچهان، در اغلب کشورهای بخش مرکزی و جنوبی قاره آمریکاینیز میلیون‌ها انسان زجرکشیده و لگدمال شده مدت‌های است مقاومت همه جانبیه ای را علیه امپریالیسم یانکی و عوامل ریزودرشت آغاز نموده‌اند. در اینجا اما اوضاع به شکل دیگری است. بسط و گسترش همه جانبیه مدل امریکایی اقتصاد، یعنی نولیبرالیسم، تحت عنوان

مرگ بی خانمانان - انسان‌ها، این صفحه‌ای بی‌اهمیت در حکومت اسلامی و سرمایه داری

طبقاتی را پیش می‌برند. این تضاد نمی‌تواند بدون یک انقلاب اجتماعی که به حذف طبقه‌زاد و انگل، طبقه‌سرمایه‌دار، می‌انجامد، حل شود. خوانندگان همیشگی نشریه "کار" و هر نشریه کمونیستی بی‌شک با تعریف کوتاهی که از نظم طبقاتی و ستمگرانه سرمایه‌داری و سرانجام آن، در بالا آمد، آشنا هستند و خود با شرکت در کار و

صفحه ۵

نظم سرمایه‌داری بر مالکیت خصوصی و سایل تولید و استثمار کارمزدی استوار است. هدف تولید سرمایه‌داری و منبع ثروت اندوزی سرمایه‌داران تصالی ارزش اضافی است. تضاد اصلی و آشتی ناپذیری که در جامعه سرمایه‌داری وجود دارد، تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل‌خصوص تملک است. در جامعه سرمایه‌داری دو طبقه اصلی به نام طبقه کارگر و طبقه بورژوا وجود دارند که مبارزه‌ی

صفحه ۲

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
۴ اخبار کارگری جهان
۶ خلاصه ای از اطلاعیه‌ها
۷ و بیانیه‌های سازمان

اخباری از ایران

* ادامه اعتراض در پتروشیمی

تندیک به هزار نفر از کارگران و کارکنان پتروشیمی اراک، پس از سه روز اعتراض غذا، روز دوشنبه ۱۷ آذر باردیگر درآمدی تاتر شرکت، دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی، مدیر عامل پتروشیمی اراک، مستجاب الدعوه واعضاء هیئت مدیره حضور یافتند و رئیس هیئت مدیره چنین اظهار داشت که مشکل کارگران پتروشیمی را که در مجلس هم مطرح شده پیگیری خواهد کرد. نامبرده وعده داد که شرکت مثل سابق به روال کارخود ادامه دهد و از تعداد نیروهای آن کاسته نشود. کارگران و کارکنان پتروشیمی اراک کماکان برخواستهای خود پاافشاری می‌کنند و در صدد آن هستند که با انجام راه پیمایی، به اعتراض خود ادامه دهند. معهدها، شورای شهر با راه پیمایی کارگران شدیداً مخالفت نموده است.

* اعتراض در شرکت توسعه صنایع پزشکی

کارگران شرکت توسعه صنایع پزشکی ایران، دست به اعتراض زدند. به گزارش ایلنادر ۱۵ آذر، کارگران این شرکت بیش از یک هفته است که در شرکت حضور می‌پابند ولی کار نمی‌کنند. شایان ذکر است که کارفرما، حقوق و مزایای کارگران را بر مبنای سال گذشته پرداخت نموده و افزایش دستمزد در سال چدید، به کارگران پرداخت نشده است. علاوه بر آن از نیمه دوم شهریور به بعد، پرداخت دستمزد کارگران متوقف شده است. کارگر این شرکت با اعتراض خود، خواستار پرداخت همه مطالبات خود از جمله حقوق‌های عقب‌افتاده خود هستند.

* تجمع اعتراضی کارگران نختاب فیروزان

۳۰۰ تن از کارگران نختاب فیروزان تبریز، باردیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر ساختمان اداره کار تبریز، خواستار پرداخت یک سال دستمزدهای عقب افتاده خود شدند. ضمانت شغلی و پایان بلاتکلیفی، از دیگر مطالبات کارگران نختاب فیروزان است. به دنبال این تجمع اعتراضی، مدیر کل اداره کار استان، درمیان کارگران حاضر شد. نام برده اظهار داشت که با تصویب طرح اصلاح ساختار این شرکت در شورای عالی کار، کارگران این شرکت به مدت یک سال، ۸۵ درصد از حقوق خود را به صورت ماهیانه از سازمان تامین اجتماعی و ۱۵٪ باقیمانده را از کارفرما دریافت خواهند کرد. شایان ذکر است که این کارخانه بیش از سه ماه است که تعطیل شده و کارگران آن بیکار و بلاتکلیف شده‌اند.

جنبش دانشجویی، یک گام به پیش



مبارزات دانشجویی نشان داد که دانشجویان نه فقط به این نقص و کمبود جنبش دانشجویی کاملاً پی برده اند، بلکه گام های عملی مشخصی برای غلبه بر بی‌سازمانی و بر طرف ساختن آن نیز برداشته‌اند. نکته بسیار مهم دیگری که در عین حال یکی از اختصاصات اصلی جنبش دانشجویی در لحظه فعلی به شمار می‌زود، حضور پررنگ تر گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی در مبارزات دانشجویی است. جریان مبارزات دانشجویان و گزارشاتی که در این مورد انتشار یافته است، حاکی از آن است که این گرایش، پس از یک دوره کار تدارکاتی، اندک اندک دارد سر بلند می‌کند. گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی جنبش دانشجویی، که با شعار "دانشجوی راهت‌داده‌م دارد" ۱۶ آذر ۷۲ را به تیر ۷۸ خرداد ۸۲ پیوند می‌زند، در زمینه مسائل جاری جامعه، از اصلاح طلبان حکومتی و بیرون آن به عنوان مرجعیتی که خواهان تداوم همین رژیم هستند یاد می‌کند. "انتخابات" را تحریم و شعار "فراندوام اپوزیسیون خارج نشین" را قویاً مردود می‌شمارد، و با نیروهایی چون ملی مذهبی‌ها، توده‌ای‌ها، جبهه‌ملی، اکثریت و سلطنت طلب‌ها، مربزیندی می‌کند و در مبارزات، روش‌ها و راه رسیدن به آرمان‌های عدالت خواهانه خود، بر مبارزات رادیکال و انقلابی سازماندهی شده‌ی علیه کلیت رژیم و برانقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید می‌کند.

و امانکته سوم، مربوط به شعارهای جنبش دانشجویی و پلاکاردهایی است که دانشجویان در تظاهرات و راهپیمایی های خود آن را حمل می‌کنند. اگر از تیر ماه ۷۸ بهاین طرف، شعار علیه سران حکومتی و کلیت رژیم، شعار آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی‌شده، شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و شعارهایی با مضمون دعوت مردم به قیام، به شعارهای روتین و همیشگی جنبش دانشجویی تبدیل شده است، در جریان اعتراضات و تظاهرات اخیر دانش

از دانشگاه مانند تیر و خرداد، به اعتراض توده ای، سنگر بندی خیابانی و حمله به ارگان‌ها و تاسیسات وابسته به رژیم فرا نروی، که این مسئله البته در مورد جنبش دانشجویی، جنبشی که هنوز شش ماه هم ازده روز بی‌پایی تظاهرات‌گسترده خیابانی آن‌نمی‌گذرد و هنوز فرصت‌النیام رخمهایش را نیافرته است، قابل فهم است، با این همه، شواهد حاکی از آن است که این جنبش دارد وارد مرحله جدیدتری می‌شود و گام‌های دیگری به جلو بر می‌دارد، که تجلی آن را می‌توان به طور خلاصه در سه نکته، بدین گونه فرمول بندی کرد.

یکی از نقاط ضعف مهم جنبش دانشجویی، محرومیت این جنبش از تشكیل‌های واقعی و عدم سازماندهی مبارزات و اعتراضات دانشجویی بوده است. در غیاب چنین تشكیل‌هایی، دفتر تحکیم وحدت همواره کوشیده است تا از این بی‌سازمانی بهره برداری کند و از نیرو و انرژی برخی دانشجویان، در راستای امیال خود که جدا از منافع جناح‌های حکومتی نیست و سوء استفاده نموده، مبارزات و اعتراضات دانشجویی را نیز در همین دایره مهار و محدود سازد. هر چند که در گذشته نیز این نهاد ارتقا یافته و وابسته، هیچگاه قادر نشد از رشد مبارزات دانشجویی و فراتر رفتن آن از محدوده‌های مورد نظر خود جلوگیری نماید، اما مبارزه‌ای بیش از پیش این نهاد و در جریان رشد و تداوم مبارزات دانشجویی و سیر تکاملی این جنبش، نه فقط سوء استفاده از نیروی دانشجویان به نفع یک جناح به کلی غیر ممکن شده و کوشش آن به منظور مهار جنبش اعتراضی دانشجویی اثر چندانی ندارد، بلکه خود این نهاد وابسته و ارتقا یافته نیز بیش از پیش مزبور شده، دچار پراکندگی و انشعاب گشته و دیگر قادر نیست حتا همان نقشی را که در گذشته داشت، ایفا کند. مهم‌ترین که به موازات پرسوهه تجزیه و از هم پاشی تشكیل‌های وابسته به رژیم، تشكیل‌های واقعی دانشجویی آرام آرام دارند شکل می‌گیرند و بخسا نیز شکل گرفته‌اند. جریان اخیر

پیام سازمان فدائیان (اقیت) به دانشجویان مبارز سراسر کشور به مناسبت ۱۶ آذر



اُصفحه ۲ اخباری از ایران

* تجمع کارگران شیشه میرال

جمعی از کارگران شیشه میرال، در اعتراض به بند و پیست های مدیر عامل پیشین این کارخانه با بنتیاد تعاون بسیج، در برابر دادسرای عمومی تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران نگران آینده شغلی خود هستند و تضمین شغلی می خواهند.

* تجمع اعتراضی کارگران در کاشان

جمع زیادی از کارگران شاغل شهرستان کاشان، در اعتراض به عمل کرد سازمان تامین اجتماعی درخصوص نحوه اجرای قانون بازنیستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان آور، در اداره کل کار و تامین اجتماعی دست به تجمع زدند. در عین حال کارگران شرکت ریسنگری و بافتگی کاشان نیز که در این تجمع شرکت داشتند، ۸ ماه حقوق عقب افتاده خود را نیز مطالبه کردند.

* اعتراض به تصویب لایحه تشکیل وزارت رفاه

- در اعتراض به تصویب لایحه تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی، شماری از کارگران قم، روزچهارشنبه ۱۹ آذر در برابر سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قم دست به تجمع زدند.
- در سمنان نیز شماری از کارگران با تجمع در برابر دفتر سازمان مدیریت و برنامه این استان، نسبت به این مسئله اعتراض نموده و خواستار حفظ استقلال سازمان تامین اجتماعی شدند.
- در مشهد، ساوه، ایلام، کرمانشاه، هرمزگان و برخی دیگر از شهرها نیز اعتراضات مشابهی صورت گرفت.

* تجمع اعتراضی در برابر مجلس

عده ای از ماماهای سراسر کشور، در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان که هشت استان را نمایندگی می کردند، درمورد جایگاه اصلی ماماهای عدم شرح وظیفه مشخص، عدم استقلال رشته مامایی، جذب نشدن ماماهای فارغ التحصیل و افزایش ماماهای بیکار، و مشکلات محیط کار اعتراض داشتند و خواستار رسیدگی به این مشکلات شدند.

* اعتراض پرستاران ارومیه

پرستاران شاغل در بیمارستان های دولتی شهرستان ارومیه، با امضاء یک مطالبات اعتراضی، خواستار پاسخگویی به مطالبات خود شدند. در این طومار، پرستاران نسبت به کمبود شدید نیروی انسانی و فشار کار اعتراض نمودند. پرستاران خواستار متوقف کردن خصوصی سازی در بیمارستان ها، تعدیل ساعت کار و تامین نیروی انسانی کافی شدند.

* اعتراض رانندگان

بیش از ۳۰۰ تن از رانندگان خط بین شهری صفحه ۵

دانشجویان مبارز!

۱۶ آذر، روز دانشجو نزدیک می شود. ۱۶ آذر، سابل ایستادگی و مبارزه جنبش دانشجویی در برابر دیکتاتوری و اختناق، ارتجاج و سرکوب است. ۱۶ آذر، سابل مبارزات آزادیخواهانه و دمکراتیک، ضدامپرالیستی و عدالت خواهانه جنبشی است که در طول نیم قرن، با وحشی ترین، بی رحم ترین دیکتاتوری های عربیان در ایران درگیر بوده است. در طول این سال ها، رژیم های ستمگر حاکم بر ایران، صدها دانشجو را به قتل رساندند. هزاران تن را به بند کشیدند. بارها دانشگاهها را به اشغال نظامی در آوردند و تعطیل کردند. دستگاههای جاسوسی و سرکوب در دانشگاهها دائر نمودند و خلاصه هرجه در توان داشتند، کردند تا این سنگ آزادیخواهانه را درهم بکوینند.

رژیم شاه که با کودتای امپرالیست های امریکایی - انگلیسی در مرداد، قدرت را به دست گرفته بود تا با برقواری رژیم تور و خفغان، جنبش های دمکراتیک و سوسیالیستی توده های مردم ایران را درم بکوید، در ۱۶ آذر ۱۳۲۲، دانشگاه تهران را که همچنان یکی از مراکز ایستادگی و مبارزه در برابر رژیم کودتا بود، به شغال نظامی در آورد. دانشجویان را بی رحمانه به گلوه بست، سه دانشجوی مبارز، قندچی، بزرگ نیا و رضوی را به قتل رساند و دهها تن را دستگیر و به زندان انداخت، با این خیال واهی، که دانشجویان را مرعوب و جنبش دانشجویی را از پای درآورد. اما این جنبش درهم شکستنی نبود. باقرتی فرون تر به حیات و مبارزه خود ادامه داد. از درون همین جنبش دانشجویی است که برجسته ترین سابل ها و قهرمانان مبارزاتی توده های مردم ایران، جزئی ها، احمد زاده ها، پویان ها و دهها از انسان هایی برمی خیزند که با سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه رژیم اختناق و سرکوب، جزیره ثبات و آرامش رژیم کودتا را برهم می زند.

هیین جنبش دانشجویی است که از اواسط دهه چهل به درجه ای از رادیکالیسم، آزادیخواهی پیگیر و دفاع از منافع و حقوق کارگران و همه ستمدیدگان می رسد که همطراز پیشوپر ترین دانشگاههای جهان، عمدت ترین بخش این جنبش را دانشجویان چپ سوسیالیست مارکسیست تشکیل می دهن.

نقشی که این جشن در جریان سرنگونی رژیم سلطنتی حاکم بر ایران بر عهده گرفت، برکسی پوشیده نیست. رادیکالیسم این جنبش، چنان هراسی در دل مرتجلیین اسلامگرا ایجاد نمود، که در پی دست یابی به قدرت، یکی از وظایف مهم خود را در جریان درهم شکستن انقلاب توده های مردم ایران، سرکوب این جنبش قرار دادند. سرانجام نیز با سازماندهی ضد انقلاب فرهنگی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ به سرکوب خوینی این جنبش متول شدند. دهها دانشجو را کشند. صدها تن با بست و تعطیل کردن دانشگاهها به اهداف ارتقا یابی خود گشیدند.

این یورش وحشیانه ارتجاج به سنگر دانشگاه، گرچه وقهه ای کوتاه در مبارزات جنبش دانشجویی پدید آورد، اما نتوانست، آن را نابود کند. دویاره در تیر ماه سال ۱۳۷۸ بود که این جنبش، قدرت خود را در برابر ارتجاج حاکم به نمایش گذاشت. دور جدیدی از سنگنگی برای باطنی ها، محبدی ها، این مبارزات همچنان ادامه دارند و آن چه حائز اهمیت است، رادیکال تر شدن روزافزون آن است که تظاهرات دانشجویی خرداد ماه امسال به وضوح آن را نشان داد. تظاهرات خرداده امسال آشکار ساخت که جنبش دانشجویی ایران با سایه درخشان و ست تپ و رادیکال به جلو خواهد رفت و دانشجویان مبارز، متوفی و انقلابی، تا تحقق خواست های توده های مردم ایران از پای نخواهند نشست.

دانشجویان مبارز، چپ و سوسیالیست!

بحran های متعددی که رژیم حاکم با آنها روبروست. به وضوح عمق پوسیدگی نظام موجود را نشان می دهد. این رژیم تا همین لحظه نیز تنها با تکیه بر سریزه توائسه است به حیات خود ادامه دهد. وسیع ترین بخش توده های مردم ایران، به این حقیقت رسیده اند که راه دیگری برای نجات از شر فاجعی که این رژیم به دیار اورد است، جز سرنگونی رژیم از طریق انقلاب نیست. نقطه ضعف مبارزات توده های مردم، اما، پراکندگی و بی سازمانی است. باید برای غلبه بر این ضعف تلاش نمود و مقدم بر بر چیز برای ایجاد تشکل های دانشجویی تلاش کنید. بخش چپ و رادیکال جنبش دانشجویی وظیفه ای مهم بردوش دارد. باید این حقیقت بر همگان روشن باشد که در ایران هیچ اقدام رادیکالی نمی تواند بدون حضور طبقه کارگر، این رادیکال ترین و پرجمعیت ترین طبقه کشور انجام گیرد. طبقه کارگر تنها طبقه ای است که با رژیم موجود مبارزه می کند. اتفاق و سرنگونی رژیم، تنها به دست طبقه کارگر امکان پذیر است. به یاد اوریم که در دوران رژیم شاه نیز با وجود تمام مبارزات قهرمانانه دانشجویان دیگر مردم زحمتکش و ستمدیده، این رژیم به حیات خود ادامه داد و تنها هنگامی از اریکه قدرت به زیر کشیده شد که طبقه کارگر به عرصه سرنگونی رژیم شاه گام نهاد و کار آنرا یک سرمه.

کارگران و زحمتکشان! زنان! معلمان! دانش آموزان!

مانند دانشجویان ایران، جزئی از مبارزه عمومی شمامت. به یاری آنها بستایید و از مبارزات و مطالبات آنها حمایت کنید.

دانشجویان مبارز!

۱۶ آذر فرامی رسد. یک بار دیگر با مبارزات سراسری خود، روز دانشجو را به عرصه قدرت نمایی جنبش دانشجویی علیه رژیم ارتقا یابی جمهوری اسلامی تبدیل کنید.

پیروز باد مبارزات جنبش دانشجویی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقراری حکومت شورایی

سازمان فدائیان (اقیت) – ۱۳۸۲/۹/۱۱

کار نان – آزادی – حکومت شورایی

أخبار کارگری جهان

* آمریکا: اعتصاب کارگران ادامه دارد

اعتصاب بیش از ۷۰ هزار نفر از کارگران ۳ شرکت‌بزرگ زنجیره‌ای پخش مواد مصرفی و غذایی در جنوب کالیفرنیا وارد نهضمن هفته خود شد. این اعتصاب در اعتراض به تلاش‌های سرمایه‌داران برای آغاز شد و حق بازنیستگی، کاهش بیمه‌های درمانی و انجام دستمزدها در سال جاری آغاز شد و بیش از ۸۶۰ فروشگاه مواد غذایی را به تعطیل کشانده و موجی از همبستگی را در سراسر آمریکا دامن زد. در اولین روزهای آغاز این اعتصاب، هزاران نفر از کارگران تعمیرات و رانندگان اتوبوس‌های شهر لوس‌آنجلس به نشانه همبستگی با کارگران اعتضایی دست از کار کشیدند.

سپس نوبت به بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران همین فروشگاه‌های زنجیره‌ای در ایالت‌های دیگر از جمله اوهايو، کنتاکی و غرب ویرجینیا رسید که به صفت اعتصابی آینده بهتر می‌کشانند. در همین راستا روز ۱۸ نوامبر، دهها هزار نفر از کارگران در مقابل مقابله‌ها فروشگاه تجمع کرده و با افشای اچحافات سرمایه‌داران، از مردم می‌خواهند که از خرد در این فروشگاه‌ها خودداری کنند. درهحال بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران پیشنهادی و رانندگان شرکت‌های حمل و نقل در همبستگی با اعتصابی از بسته بندی و حمل کالاهای مربوط به این فروشگاه‌های زنجیره ای خود داری کرده و فشار را به سرمایه‌داران بیش از پیش افزایش دادند. در همین حال، روز ۲۲ نوامبر هم‌هزاران نفر از اعتصابیون به همراه دیگر کارگران از سراسر آمریکا در شهر واشنگتن گرد هم آمد و طی تظاهراتی خواستار پیش از دادن به اچحافات سرمایه‌داران شدند. اما کارهای همبستگی طبقاتی با کارگران اعتضایی به اینجا ختم نشد است. اکنون به همت فعالین کارگری از سراسر آمریکا کمک‌های مالی به صندوق اعتصاب کارگران سازیزدشت است.

* سرکوب کارگران در عراق

روز ۲۴ نوامبر، بیش از ۱۰ هزار کارگر بیکار عراقی در اعتراض به تعطیل کارخانجات و عدم پرداخت دستمزدها در بغداد دست به تظاهرات زدند. یک روز قبل از آن قاسم‌هادی و عادل صلاح ۲ تن از فعالیت‌اتحادیه بیکاران را در چند شهر دستگیر کردند و با این اقدام، تصور می‌کردند که کارگران در خانه‌های خود می‌مانند. اما پس از گذشت مدت ماموران پلیس تمامی رهبران اتحادیه کارگران را در چند شهر دستگیر کردند و با این اقدام، شهری کارگران اعتضایی در خیابان‌ها کوتاهی، کارگران اعتصابی در خیابان‌ها به راه افتاده و به سمت مراکز اصلی چند شهر حرکت کردند. در پایتخت، کارگران مورد هجوم ماموران پلیس قرار گرفته و به فوریت دست به دفاع از خود زدند و زد خورد خونینی بین اعتصابیون و ماموران پلیس درگرفت. در چند شهر دیگر نیز در مدنیات دولت‌تونانستند به رغم تهدید و دستگیری رهبران کارگران برپایی تجمعات اعتراضی آنها جلوگیری کنند.

* اعتصاب ۴ ساعته کارگران بخش خدمات در فنازند

روز ۱۱ دسامبر، صدها هزار کارگر فنلاندی شاغل در بخش خدمات این کشور در اعتراض به موج وسیع اخراج‌ها دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زدند. اعتصابیون اعلام داشتند در صورت عدم توقف اخراج‌ها، اعتضایات وسیع تر و طولانی تر برپا خواهند کرد.

* موج اعتضایات کارگری در ایتالیا

بیش از یک و نیم میلیون کارگر ایتالیایی روز ۶ دسامبر در اعتراض علیه تغییرات در قانون بازنیستگی این کشور دست به

اعتصاب و تظاهرات زدند. در طول راه پیمایی کارگران با خواندن سرود انتخاباتی سیونال و به اهتزاز درآوردن پرچم‌های سرخ، مخالفت خود را با تعارض به دست آوردهای مبارزاتی کارگران به نمایش گذاشتند. قانون فعلی بازنیستگی در ایتالیا شامل پرداخت ۳۵ سال پرداخت بیمه بازنیستگی و سن بازنیستگی ۵۷ سال می‌باشد در حالی که تغییرات اخیر، سن بازنیستگی را برای زنان به ۶۰ سال و برای مردان به ۶۵ سال افزایش می‌دهد. همچنین بیمه بازنیستگی مشمول کارگران و کارکنان می‌گردد که ۴۰ سال حق بیمه پرداخت کرده باشند. این تظاهرات در اعتراض به سیاست‌های دولت در مورد بازنیستگی و به طورکلی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت صورت می‌گرفت. در این تظاهرات بعد از مدت‌ها جدایی، ۳ سندیکای اصلی ایتالیا مشترکاً شرکت‌کرده بودند و رهبران آنان مشترکاً بر ضد سیاست‌های دولت به سخنرانی پرداختند. آنان در این سخنرانی دولت را متهم نمودند که تمامی مخارج اقتصادی دولت را بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار داده است و برای اصلاح وضع اقتصادی کشور بیش از پیش به باج دهی به سرمایه‌داران پرداخته است و از طرف دیگر رهبر سندیکای سرمایه‌داران را هم به عدول از استقلال سندیکای سرمایه‌داران متهم نمودند. آنها در ادامه سخنرانی پرداختند. آنان در تغییر سیاست‌های اقتصادی و بازنیستگی عمل ننماید به مبارزه‌هادامه‌خواهند داد. در همین رابطه، احزاب دولتی، این تظاهرات را سیاسی خواندند و سندیکا را عامل احزاب اپوزیسیون معرفی نمودند. معاون نخست وزیر نیز در مصاحبه ای اعلام نمود که دولت کماکان مصمم است به راه‌خود ادامه دهد و سیاست‌های دولتی در پارلمان بررسی می‌شود و نه در تظاهرات و در میدان‌های شهر. در روز دوشنبه نیز در اعتضای کارگران و سیلیه کارگران بخش حمل و نقل شهری صورت گرفته بود بسیاری از شهرهای ایتالیا فلک شده و بدون اتوبوس و تراموا بودند. در این اعتضای کشور که با شرکت درصد بسیار بالایی از کارگران صورت پذیرفت، بود آنان خواستار امضای قرارداد جدید کار و اضافه حقوقی برای برای را صد یورو در ماه را کرده بودند که با مخالفت شرکت‌های مسافربری شهری روپرو شدند. (لازم به یادآوری است که قرارداد این کارگران دو سال پیش تمام شده است و شرکت‌های مسافربری قرارداد جدید را با آنها امضا نکرده‌اند). در این رابطه رانندگان شهر میلان بدون اطلاع سندیکاهای سراسری اعتضای کشور میلان بود را چندین ساعت زودتر از موعده مقرر شروع نمودند و عملی هیچ یک از اتوبوس‌ها به حرکت در نیامدند و متوجه راهنمایان نیز دست از کارکشیدند. این عمل موجب فلک شدن کامل شهر گردید و موجب گشت که سندیکاهای سراسری نیز به این کارگران اعتضای بزرگ کارگران محسوب دارند. در همین رابطه کمیته گارانتی اعتضای بزرگی بر ضد دیگر کارگران محسوب دارند. بررسی اقدام این اقدام نمایند و این اقدام را برخورد به این کارگران شده است. در

مرگ بی خانمانان - انسان‌ها، این . . .

خیابان جان باختند.

در همان روز یکی از خبرگزاری‌های رژیم کوشید بارفتن به سراغ یک مسئول مبارزه با مواد مخدر قضیه را لوٹ کرده و چنین القاء کند که جان سپردگان از سرما، معتادان به مواد مخدر بوده‌اند تا به خیال خود از اهمیت قضیه پکاهد. تازه‌اظهار نظره‌مین مقام‌مسئول و بقیه مسئولان در روزهای بعد نشان داد که در جمهوری اسلامی اگر مسئولیت هم هست، نباید انتظار پاسخگویی را از آنان داشت. آرای این چنین بود که سردار قدرت‌الله محمودی، مدیر کل مرکز مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی تهران به خبرگزاری کار گفت: "مسئول اسکان بی خانمان‌ها، وزارت کشور و استانداری است و نیروی انتظامی در این خصوص هیچ مسئولیتی ندارد. " وی همچنین وقیحانه افزاود: "مگر ما به افراد بی خانمان کارتن داده ایم؟ پاسخگویی به چنین مشکلاتی وظیفه فرمانداری و استانداری است." حالابینیم مسئولان استانداری چه می‌گویند؟ فاسد احمدوند معاون اجتماعی استانداری تهران، می‌گوید: "برخلاف گفته مدعی‌کل مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی تهران، جمع‌آوری متکدیان در سطح شهر به عهده نیروی انتظامی است و استانداری وظیفه هماهنگی برنامه‌های جمع‌آوری آن‌ها را دارد." پس ظاهرا جان سپردگان تنها معتادان نبوده اند و متکدیان بودند که باید مانند زباله "جمع‌آوری" می‌شدند! ای کاش آقای معاون "اجتماعی" لاقل کمی شرم داشت!

وتنی که مقامات نیروی انتظامی و غیر انتظامی (استانداری) مسئولیتی پذیرفتند، باید نبال مهره‌های کوچک‌تر رفت و کوشش کرد که مسئله را کوچک و بی‌اهمیت جلوه داد. چنین بود که آقای شهاب‌الدین صدر، رئیس سازمان پژوهشی قانونی وارد صحنه شد و گفت: "طبق‌آمار روابط عمومی‌این سازمان در روزهای اخیر تنها ۴ جسد از افراد بی خانمان به پژوهشی قانونی منتقل شد." خوب، این سازمان با این ۴ جسد چه کرد؟ صدر پاسخ می‌داد: "ما این موضوع را به سازمان صدا و سیما تذکر دادیم." که حتماً اعلام کند که ۴۰ جسد پیدا نشده و تعداد فقط ۴ نفر بوده است!

جست وجوی مسئول و پاسخگو، پس از انتشار خبر درگذشت ۴۰ نفر در کمتر از یک هفته در اثر سرما نتیجه‌ای نداد. این موضوع در اظهارنظر ۲ تن دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی مشهود بود. در این زمینه محمد رضاراه‌چمنی، رئیس سازمان بهزیستی به خبرگزاری فارس گفت: "خیابان خواب‌های اخیر که به نبال سرما اخیر تهران‌جان باختند، معتادان و لوگردهایی بودند که باید توسط نیروی انتظامی جمع‌آوری می‌شدند." حسن علم - الهادی، معاون امور اجتماعی همان سازمان نیز به یکی دیگر از خبرگزاری‌های

مبارزه اجتماعی واژه به واژه آن را در عمل باتمام وجود لمس کرده‌اند. نوشه حاضر قصد ندارد تنها تکرار نکننده تعریف کوتاه و سرانجام نظم سرمایه داری باشد و می‌خواهد باشاره به واقعیتی اجتماعی به زرفایی فجایع این نظم بی‌ردازد، زرفایی که در ایران با یک حکومت خودکامه و دیکتاتوری اسلامی خشن تر و ضد انسانی تر شده است. جمهوری اسلامی تنها یک رژیم خودکامه نیست که بادستگیری، حبس و کشتار مخالفان سیاسی‌اش به حیات خوددامه می‌دهد، جمهوری اسلامی همچنین یک نظم سرمایه‌داریست که مانندکل سرمایه داری هر لحظه جنایت می‌کند و قربانی می‌گیرد. این روزها حتاً قدم زدن در خیابان‌ها، به ویژه در شهرهای بزرگ ایران، هر انسان اندک آگاهی را با واقعیات و ضد بشري بودن نظم سرمایه داری آشنا می‌کند. چه کسی است که در گوش و کنار شهرها شاهد انبوه کودکانی نباشد که مشغول باربری، تمیزکردن شیشه‌اتومبیل - ها، دستفروشی و کارهایی از این نوع نباشند، کودکانی که به جای نیمکت‌های دیستانه، مراکز آموزشی و تفریحی در خیابان‌ها منزل گرفته اند و برای لقدمه ناشنی و ادار به زجر کشیدن هستند؟ چه کسی سیست که دستکم دو سه انسان را شبانه‌گام درگوششایی یا کارتنی ندیده باشد که می‌کوشد چند لحظه‌ای چشم برهم بندد و گاهی همین انسان‌ها را بی‌چان در گوش و کنار خیابان‌ها نیافرته باشد؟ روز نوزدهم آذر بود که سرانجام روزنامه ای با چند سطر کوتاه خبر از مرگ سرما و مرگ انسان‌هایی که با هجوم سرما و ریزش برف در خیابان‌های تهران برای ابد چشم فروبستند. در عنوان خبر آمده بود: ۴۰ کارتون خواب در سرمایه تهران روز بعد تیتر دیگری داشت که چنین بود: هیچ نهادی مسئولیت کارتون خواب‌ها را پذیرفت. موضوع از این قرار است که طی کمتر از یک هفته دستکم ۴۰ انسان قربانی فقر و نظم سرمایه‌داری شده و با هجوم سرمایه اواسط آذرماه در خیابان می‌میرند و مجادلات "مسئولان" جمهوری اسلامی‌تنها پیرامون این می‌گردد که آنان ۴۰ نفر نبوده‌اند و ۴ نفر بودند، چند روز و کمتر از یک هفته هم نبوده و یک هفته بوده است! یا حتاً بحث په این جا می‌کشد که چون جان سپردگان از سرمایه بی‌خانمانی، عده‌ای معتاد به مواد مخدر بوده‌اند پس مرگ‌شان "طبیعی" و "عادی"ست! گویی اعتیاد و بی‌خانمانی سرنوشتی است که بیشتر برخی حک شده و چاره‌ای هم ندارد. با نبال کردن کشمکش‌های مسئولان جمهوری اسلامی برسر مرگ چهل انسان، بیش از پیش جنایت کاری نظم سرمایه داری اسلامی و کوشش سرمایه داران برای انحراف افکار عمومی از مسئله اصلی روشمنی شود. در خبر نوزدهم آذر روزنامه "شرق" از قول بهروز هژمند، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران آمده بود: "۴۰ مرد ۱۳ تا ۵۰ ساله بر اثر سرما در

دراعتراض به قانون عدم حمل و نقل مسافر توسط خودروهای شخصی، روز شنبه ۱۵ آذر در مقابل استانداری قم دست به تجمع زدند. این رانندگان چنانچه‌اقدام به حمل مسافران به شهرهای دیگر کنند، قانوناً ۲۰۰ هزار ریال جریمه می‌شوند.

* تجمع اعتراضی رانندگان در ماکو رانندگان بین شهری ماکو در اعتراض به افزایش جریمه‌ها، دربرابر فرمانداری شهر، دست به تجمع زدند. این تجمع، با قول مساعد از سوی مسئولین شهر، پایان یافت.

* تجمع رانندگان در سرخس

دهه‌انم از رانندگان خط بین شهری مشهد- سرخس، در اعتراض به صدور قبض‌های جریمه ۲۰ هزار تومانی، در مقابل فرمانداری سرخس، دست به تجمع زدند. پس از حضور فرماندار سرخس در جمع اعتراض کنندگان و قول رسیدگی، اعتراض کنندگان به تجمع خود پایان دادند.

* اهالی زرکش، جاده را بستند

اهالی زرکش (واقع در ۱۵ کیلومتری شمال غرب مشهد) در اعتراض به کمبود خدمات شهری و نرسیدن گاز به این محل، جاده مشهد- طوس را با کسیول های خالی گازبستند. این اقدام اعتراضی روز شنبه هشتم آذر که از ساعت ۹ صبح آغاز شده بود تا ساعت ۱۸ ادامه یافت.

* نامه اعتراضی

کارگران شرکت سامیکو صنعت همدان، با ارسال یک نامه به خبرگزاری‌ها، در مورد نحوه مدیریت این واحد اعتراض نموده و خواستار نظارت بر عملکرد آن شدند. این نامه به امضا بیش از ۱۷۹ کارگر این واحد رسیده است. این شرکت از ۹ ماه پیش تعطیل شده و ورود کارگران به کارخانه از نیمه دوم آبان پرداخت ۶ ماه حقوق است. کارگران خواهان پرداخت ۶ ماه حقوق عقب‌افتاده و سایر طلب‌های خود می‌باشند.

* اعتراضات دانشجویی

- دهها تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، از روز ۱۶ آذر، در اعتراض به محدودیت‌ها و فشارهایی که در محیط دانشگاه بر دانشجویان اعمال می‌شود، دست به یک اعتراض غذای نامحدود زدند. - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان، روز پنجم‌شنبه ۱۳ آذر دست به اعتراض زدند. - روز چهارشنبه ۱۲ آذر، دانشجویان دانشگاه صنعت هواپیمایی کشور، در اعتراض به کمبودها و نواقص متعدد امور آموزشی و رفاهی دست به اعتراض غذا زدند و کلاس‌ها را نیز تعطیل کردند. دانشجویان در بیانیه‌ای، ضمن اعتراض به مدیریت، خواستار رسیدگی به مطالبات خویش شدند.

امواج اعتراضات توده‌ای در آمریکای لاتین علیه نُولیپرالیسم

زندن. خواست اصلی اعتضابیون توقف کامل سیاست های نُولیپرالی بود که دولت از سوی مراکز مالی امپریالیستی به داده این کشوردیکته می‌شود. این اعتضاب ادامه اعتضاب وسیع ماه رُونَ و اوست بود. در این روز دهها هزار نفر به خیابان‌ها آمد و خواهان پایان بخشنیدن به فقر و فلاتک هر دم فزاپنده خود شدند. پاسخ مقامات دولت نیز جیزی جز سرکوب و گلوله نبود. در اثر تیراندازی ماموران پلیس و ارتقش بیش از ۱۰ نفر کشته، دهها نفر زخمی و بیش از هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند. به رغم سرکوب و حشیانه‌این اعتراضات، اما توده‌های جان به لب رسیده در این کشور فقر زده نیز عزم جزم دارند به مبارزات خود ادامه دهند.

در یک کلام در سراسر مرکز و جنوب فاره آمریکا جنبشی عظیم علیه شیوه های کنترل اقتصاد به شیوه سرمایه‌داران درجریان است.

ازصفحه ۸

وزارتخانه جدیدی به نام ...

دروزی رژیم برای قاپیدن ارگان‌ها و نهاد - هایی که در دست جناح رقیب است. در واقع، جناح خاتمی با تشکیل این وزارت - خانه، می‌خواهد نهادهای متعددی راکه تحت عنوانین بنیادها و صندوق‌های رنگارنگ به اسم کمک، امداد، حمایت و غیره و ذالک، منافع کلان مالی و سرمایه داری را در دست خود متمرکز ساخته اند، از چنگ جناح رقیب در آورد. اس واساس قضیه درهمین است. دراین میان سرنوشت اندوخته‌های صندوق‌سازمان‌تامین اجتماعی نیز که حاصل سالها برداشت از دسترنج کارگران است، معلوم نیست. چون تاکنون به رغم این که حساب وکتاب و برداشت از این صندوق نیز مستقیم و غیر مستقیم در دست دولت ونهادهای به اصطلاح کارگری وابسته به آن بود، معهذا ادعا می‌شود که مستقل است و متعلق به کارگران. اما اکنون سازمان تامین اجتماعی نیز قرار است در این وزارت‌خانه جدید ادغام شود و صندوق آن نیز رسما در اختیار این وزارت خانه قرارخواهد گرفت. آن چه که دولت می‌تواند دست به نقد تصاحب کند، همین صندوق است. این که بتواند یا نتواند چیزی از چنگ جناح رقیب درآورد، وابسته به زور و قدرت دو طرف در یک منازعه و کشمکش طولانی ترخواهد بود که از هم‌اکنون پیش بینی آن درهمین مصوبه تشکیل وزارت خانه جدید شده است. بنیادها و صندوق‌های رنگارنگ وابسته به جناح رقیب می‌توانند از ادغام در این وزارت‌خانه جدید سرباز زنند، اما دیگر، سوای درآمدهای کلانی که دارند، مبلغ کلان دیگری از بودجه دولتی دریافت نخواهند کرد.

خلاصه کنیم: هدف روش است. وزارت خانه جدید نه در پی رفاه توده مردم است، نه بهبودی در سیستم تامین اجتماعی. ابزاری است در منازعه وتسویه حساب‌های درونی رژیم. هدف اصلی تشکیل وزارت‌خانه جدید همین است و بس.

در آوریل ۲۰۰۲، نظامیان طرفدار آمریکا دست به یک کودتا نظامی زندن که مستقیماً از سوی CIA طراحی شده بود. در مقابل این حرکت ضد انقلابی، توده‌های کارگر و زحمتکش ونزوئلا به خیابان‌ها آمد و به مقابله با کودتا پیمان برخاستند و رئیس جمهور اباه قدرت بازگرداندند. امپریالیسم آمریکا شریان اقتصادی این کشور را کاما درکنترل دارد اما توده‌های کارگر و زحمتکش به مخالفت واعتراض ادامه می‌دهند.

در مکزیک هم موج مخالفت وسیعی علیه نظام امپریالیستی در اوایل سال ۱۹۹۴ آغاز شد که از جمله در جنیش Chiapaz تبلور می‌یابد. در این جا هم جنبش کارگران و زحمتکشان از فقر به تنگ آمد و راه مقابله مستقیم با سیاست های نو - لیپرالی دولت این کشور و گسترش نفوذ اتحاد سرمایه داران آمریکایی و مکزیکی تحت عنوان NAFTA را در پیش گرفتند. چیزی نگذشت که جنبش Chiapaz به مناطق دیگر مکزیگ گسترش یافته و به سهیل مقاومت توده ها در مقابل غارت و چپاول دسترنج آنان توسط سرمایه‌های یانکی بدل شد.

در پورتوریکو پس از سال ها مبارزه، سر انجام جنبش حق طلبانه توده های تحت ستم در سال ۲۰۰۳ موفق شد به حضور نظامیان آمریکایی درخاک این کشور پایان داده و تمام پایکاههای هواپی این کشور را، که وظیفه جاسوسی علیه دولت کوبا را به عهده داشتند، تعطیل کند. درهایتی برغم تشبیثات امپریالیستهای امریکایی وعوامل داخلی آنها، توده های مردم از برنامه های اقتصادی مخالف سیاست های نُولیپرالی در سایه سر انجام چریک های وابسته به این کاره است که سیاست نُولیپرالی در سایه سر نیزه یکی از خشن ترین دیکتاتوری ها امپریالیسم دفاع کردند و در سال ۲۰۰۰ رئیس جمهور خود راکه نظامیان طولانی نگذشتند بود که امواج اعتضابات عمومی و مبارزات ورشکستگی و فروپاشی تمام و تمام اقتصادی پرتاب نمود. توده های گرسنه و فقر زده مردم به مراکز سرکوب و ستم حمله کردند. دراینجا نیزشورش کارگران و زحمتکشان نشان داد که نُولیپرالیسم به بن بست رسیده است.

کلمبیا یکی دیگر از کشورهای این قاره است که سیاست نُولیپرالی در سایه سر نیزه یکی از خشن ترین دیکتاتوری ها راه خود را هموار نموده است. اما در اینجا هم مدت زمان طولانی نگذشتند بود که امواج اعتضابات عمومی و مبارزات مسلحه چریک های وابسته به این کاره انتقام این کاره است که سیاست های نُولیپرالی در سایه سر نیزه یکی از خشن ترین دیکتاتوری ها امپریالیسم دفاع کردند و در سال ۱۹۸۶ از اریکه قدرت به زیر کشیده بودند مجدد انتخاب کردند.

در اکوادور ائتلاف انتخاباتی مخالف سیاست های نُولیپرالی موفق شد در سال ۲۰۰۰ دولت پروآمریکایی این کشور را به کنار بینند. در این سال یک افسر ارتش که مخالف سیاست های نُولیپرالی بود به قدرت رسید.

در برزیل، انتخاب Lula da Silva نشانه مخالفت کامل توده های کارگر و زحمتکش با سیاست های اقتصادی نُولیپرالی بود که این کشور را به آستانه فقر و فلاتکی بسیار نگذشتند. به عنوان آخرین نمونه می‌توان به مبارزات توده‌های مردم در جمهوری دومینیکن اشاره کرد. در اینجا کاربیت سیاست های نو - لیپرالی درصد بیکاران را به ۳۰٪ مردم زیر خط فقرزنگی می‌کنند، قیمت مایحتاج اصلی میلیون ها کارگر و زحمتکش روزانه افزایش یافته و درهمین حال دستمزد ناچیز کارگران کفاف هزینه اثنا را در نیمی از ماه را هم نمی کند. بر بستر این اجحاف آشکار بود که روز ۱۱ نوامبر تمامی کارگران و زحمتکشان این کشور دست به یک اعتضاب ۲۴ ساعت

سرمایه داری در مدتی کوتاه دادند. اما پی آمدهای کاربیت این سیاست های اقتصادی را می‌توان به وضوح درگسترش موج مقاومت توده های کارگر و زحمتکش این کشورها دید. در اکتبر سال جاری میلیون ها انسان زجر کشیده در بولیوی خبردار شدند که تنها ثروت طبیعی این کشور، یعنی منابع گاز طبیعی به امپریالیست‌ها فروخته خواهد شد. پخش این خبر کاسه صبر توده ها را لبریز کرد و به رغم وحشی گری همه جانبه ارتش و پلیس وکشتار بیش از ۷۰ نفر، اعتراضات ادامه یافت و به فرار رئیس جمهور این کشور به آمریکا انجامید.

درگوش دیگر این قاره توده‌های فقرزده آرژانتین با کوهی از مشکلات لایحل اقتصادی مواجه هستند که نتیجه مستقیم کاربیت سیاست های نُولیپرالی دربیش ازیک ده گذشتند. این کشور امریکایی جنوبی که زمانی تولید کننده مواد غذایی و گوشتی در سطح کشور های پیشرفتی سرمایه داری بود، به یمن کاربیت سیاست های نُولیپرالی به کشور وارد کننده مواد غذایی تبدیل شد و بیکاری، فقر و تورم ناشی از این سیاست ها سرانجام این کشور را به سراشیبی و روشکستگی و فروپاشی تام و تمام اقتصادی پرتاب نمود. توده های گرسنه و فقر زده مردم به مراکز سرکوب و ستم حمله کردند. دراینجا نیزشورش کارگران و زحمتکشان نشان داد که نُولیپرالیسم به بن بست رسیده است.

کلمبیا یکی دیگر از کشورهای این قاره است که سیاست نُولیپرالی در سایه سر نیزه یکی از خشن ترین دیکتاتوری های راه خود را هموار نموده است. اما در اینجا هم مدت زمان طولانی نگذشتند بود که امواج اعتضابات عمومی و مبارزات ورشکستگی و فروپاشی تمام و تمام اقتصادی پرتاب نمود. توده های گرسنه و فقر زده مردم به کارگری بی‌سابقه دولت کلمبیا، اما جنبش کارگران، کشاورزان، دانشجویان، بیکاران و جوانان هر روز بیش از روز پیش گسترش می‌یابد.

در ونزوئلا اتش مقاومت توده های کارگر و زحمتکش در سال ۱۹۹۸ شعله گرفت. در انتخابات این سال، توده های مردم به نمایندگان مستقیم امپریالیستهای یانکی که نُولیپرالیسم وارتشاء و فساد مالی و اداری ناشی از آن را نمایندگی می‌کردند، نه گفتند و Hugo Chavez انتخاب شد که وعده داده بود صنایع ونزوئلا را ملی می‌کند و سیاست های رفاهی به نفع کارگران و زحمتکشان را در پیش می‌گیرد. در این مدت و به رغم کارشکنی ها و خرابکاری های وقfe امپریالیست ها قانون اساسی این کشور بازنویسی شده و سیاست های اقتصادی دولت در راستای پاسخگویی به نیازهای کارگران و زحمتکشان تعیین شده است. این اقدامات نمی‌توانست مخالفت امپریالیست ها را به دنبال نداشته باشد،

از صفحه ۲

جبش دانشجویی، ...

-جویی شعارهای دیگری نیز عنوان شد که این شعارها ورود جنبش دانشجویی به مرحله جدیدتری را بشارت می‌دهد. شعار برایی و شعار حمایت از اعتضابات کارگری که در اعتضابات واعترافات اخیر دانشجویان مطرح گردید، جهت گیری آگاهانه جنبش دانشجویی را نشان می‌دهد. شعاربرابری، در عین آن که به نوعی بیان اعتراض دانشجویان به انواع تبعیضات موجود در جامعه است، خواست برایی طلبانه وعدالت خواهانه آنان را بازتاب می‌دهد. با این شعارها نه فقط تبعیضات و نابرابری‌های موجود تمامانی می‌شود و زیر سوال می‌رود، بلکه بتأثیری بی‌چون و چراً اهمیت اعتضابات کارگری و ضرورت حمایت جنبش دانشجویی از اعتضابات کارگری، بر ضرورت پیوند جنبش‌های اجتماعی اعتراضی با یکدیگر نیز انگشت گذاشته می‌شود، که این نیز نشان از فعال‌تر شدن بخش چپ رادیکال و سوسیالیستی جنبش دانشجویی و راست شدن قامت این گراحت است.

در یک کلام، برگزاری مراسم ۱۶ آذر امسال گرچه از لحاظ گستردگی و کمیت نیروهای شرکت کننده به سطح سال گذشته نمی‌رسید، اما از نظر کیفی به ویژه طرح شعارها و جهت گیری جدید، کیفیت نویسی را بازتاب داد. این کیفیت که نتیجه حضور فعال گراحت چپ رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش دانشجویی است، به روشنی بیانگر این موضوع است که جنبش دانشجویی، گام دیگری به پیش برداشته است.

از صفحه ۴

اخبار کارگری جهان

همین رابطه، این کارگران با ابراز تاسف از این موضوع و به وجود آوردن مشکل برای همشهریان یادآوری نمودند که مجبور بدین کارشده‌اند. چون تا به حال باوجود چندین اعتضاب پیشین به خواستهای آنان تاثیری گذاشته نشده است واعلام نموده اند که اگر بدین درخواست‌ها جوابی ندهند دوباره به اعتضاب شدیدتری دست خواهند زد. دولت نیز به این بهانه که این گونه اعتضاب‌ها مردم را تحت فشار قرار می‌دهند، درخواست نموده است که کلا به کارگران بخش‌های عمومی از قبیل حمل و نقل، اجازه اعتضاب داده نشود.

کمک‌های مالی رسیدههلند

۳۰ یورو

الف. م

کانادا

۲۰ دلار کانادا

مونترال - به یاد

حبیب سالیانی

ونکوور - ستاره

۸۰ دلار کانادا

خلاصه ای از اطلاعیه‌ها**و بیانیه‌های سازمان**

«کشتار بی‌رحمانه مردم سراوان را محکوم می‌کنیم» عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۳ انتشار یافت. در این اطلاعیه سازمان گفته شده است که جمهوری اسلامی، امروز در سراوان جنایت دیگری آفرید و تعدادی از مردم مستمده و بی‌دفاع بلوچ آماج گله‌های نیروهای سرکوبک رژیم قرار گرفتند. در ادامه آمده است که مامورین انتظامی رژیم، جوان موتور سواری را که به ایست آنها توجه نکرده بود، به قتل رساندند. این اقدام وحشیانه منجر به اعتراض مردم گردید. در پی درگیری میان مردم و نیروهای سرکوبک، آنها مردم را به گله بستند و مردم نیز به مرکز دولتی پوشیدند. دهها تن از مردم سراوان دستگیر و تعدادی نیز به قتل رسیدند. گفته می‌شود که دو تن از مزدوران نیز به قتل رسیدند. در پیان اطلاعیه، سازمان این اقدام وحشیانه رژیم را علیه مردم مستمده بلوچ محکوم کرده است.

تشکیلات خارج کشور سازمان در تاریخ ۹ دسامبر، اطلاعیه‌ای دراعتراض به روز خاتمه به ثنو انتشار داد. اطلاعیه می‌گوید که خاتمه وزیر پیشین سانسور جمهوری اسلامی و رئیس جمهور کنونی رژیمی که در ۲۵ سال گذشته به سرکوب، تقاض آزادی‌های سیاسی و حقوقی پسر پرداخته است، روز ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر وارد ژنو می‌شود. اطلاعیه سپس می‌افزاید در شرایطی که مقامات امنیتی سوئیس تدبیر امنیتی شیدید پرای محافظت از وی و هیئت همراه او اتخاذ نموده‌اند و حتاً جلسه‌های آموزشی آلترناتیو را مورد حمله قرار داده و چند تن را زیر نظر قرار گرفته‌اند، خاتمه با محافظت دو هزار پلیس ضد شورش در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی شرکت می‌کند.

تشکیلات خارج کشور سازمان در پیان، ضمن محکوم کردن حضور خاتمه و هیئت همراهش، به وجوده‌اند آزادیخواه و نیروهای چپی که در همایش آلترناتیو در این اجلاس شرک می‌کنند درود می‌فرستد و خواهان محکومیت جمهوری اسلامی به خاطر رفع سده سرکوب وکشتار و ممیزی است.

گویند: در حال حاضر نمی‌توان در مقابل نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی قد علم کرد! در پاریس، مسکو و نیویورک هم مانند تهران، انسان‌ها صفرهایی بی‌همیت نظمی هستند که بدون برچیدنش فجایع اجتماعی را پایانی نیست. اصل موضوع تنها این است و نه این که جان سپرده‌گان از سرما، در تهران هستند، زیر یوغ یک حکومت جنایتکار قرون وسطی‌ای به نام جمهوری اسلامی یا در یک جمهوری پارلمانی در نیویورک و پاریس. اصل موضوع این نیست که جان سپرده‌گان از سرما در خواند تا روشن شود بودند یا ۴۰ نفر، معتاد بودند یا متکدی، اصل قضیه این است که آنان انسان بودند و حق حیات و زندگی داشتند. این حق را نظم ضدانسانی سرمایه‌داری از آنان گرفت.

رژیم گفت: «کارتون خواب‌ها عمدتاً جزو طبقه متکدیان معتماد هستند که مسئولیت جمع‌آوری و سازماندهی آن‌ها به عهده مجموعه ای از نهادهای دولتی است و اعتبار رسیدگی به وضعیت آن‌ها نیز در اختیار استانداری هاست.» خلاصه کلام‌این که در طی سه، چهار روز گذشت دیگر مقامی نبود که مسئولیت این واقعیت را به گردان دیگری نیاندارد و توصیف جان سپرده‌گان به "طبقه متکدی و معتماد" یا برداشتن یک صفر از جلوی تعداد آنان نخواسته باشد مسئله را کوچک و بی‌همیت جلوه دهد، کما این که آقای محمود احمدی نژاد، شهردار انصار حزب - الهی تهران نیز چنین کرد. روزنامه آفتاب بیزد بیست و دو اذر به نقل از وی نوشت: ۴۰ نفر در یک شب از سرما نمرده -اند، تعداد ۴ یا ۵ نفر برای یک هفته بوده که این هم "عادی" است!

باری مسولان و مقامات گوناگون جمهوری اسلامی نه فقط مسئولیتی نپذیرفتند و پاسخی ندادند که کوشیدند با توصیف جان سپرده‌گان به معتماد و متکدی و کمک‌کردن شمار آنان قضیه را لوٹ کرده و آن را بی‌همیت جلوه دهند. در حالی که موضوع ازین قرار است که آیا این انسان‌ها - چه ۴ نفر و چه ۴۰ نفر، چه معتماد و چه متکدی و چه هر کس دیگری - حق حیات و زندگی دارند یا نه؟ آیا معتماد و متکدی قربانیان نظم موجود نیستند؟ اگر مقامات جمهوری اسلامی حاضر بپذیرند، مسئولیت مرگ این انسان‌ها را بپذیرند، قطعاً انتظار پاسخ به سوالات بالا راهنم نمی‌توان از آنان داشت. حالا فرقی نمی‌کند که شهردار تهران انصار حزب الله باشد یا راه چمنی، اصلاح طلب دوم خدادادی، گیریم که شهردار تهران نه انصار حزب الله بود و نه اصلاح طلب حکومتی، گیریم که یک جمهوری خواه یا مشروطه طلب بود که حالا با طیف‌های گوناگون در خارج حکومت مشغول جبهه سازی اند. اگر به یکی از همین جمهوری خواهان و سلطنت طبلان بپرورد حکومتی هم بگویید تا نظرش رادر این رابطه بدهد، جواب می‌شود: مگر در خیابان‌های پاریس، مسکو و نیویورک کسی از سرما نمی‌میرد؟ آری اتفاقاً جواب درستی است، در آن جا هم می‌میرند، در آن جا بخانمان از سرما می‌میرند، در آن جا هم می‌میرند، باشند نیست وندارند، در آن جا هم می‌میرند - ها متر مربع ساختمان خالی است و صدها هزار انسان در خیابان‌ها می‌خوابند. بله جواب درستی است، جمهوری خواهان و مشروطه طبلان نیز پاساران نظم اقتصادی و اجتماعی کنونی اند. کافی است پلاتفرم - هایشان را یک بار خواند تا روشن شود که آنان نیز از همین نظم دفاع می‌کنند، منتظر حاضر نیستند این مسئله را روشن و صریح بگویند و وقتی دمکرات تریبون این حق جا و آن جا شفاهای پاسخ می‌دهند، چنین می-

وزارتخانه جدیدی به نام «رفاه و تامین اجتماعی»

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲

بدیهی بود که تحقق کامل یکچنین شعاری در شرایط سرمایه داری، ناممکن و تتحقق اجزایی از آن ناپایدار خواهد بود. اما به هر حال انکار نمی توان کرد که در سال های پیش از جنگ جهانی دوم، تحت شرایط ویژه ای از مبارزه طبقاتی و توانزن قوا در عرصه های داخلی و بین المللی و نیز رونق اقتصادی نسبی جهان سرمایه داری، سوسیال دمکراسی اروپایی در هر جا که به قدرت رسید، توانست در محدوده ای مطالبات کارگران را در زمینه تامین اجتماعی به مرحله اجرا در آورد که هنوز هم بعد از گذشت دو دهه از پیوش سرمایه برای باز پس گرفتن این دست اوردهای مبارزات کارگری، بقاوی اآن نیز بسی از کشورهایی نظیر ایران فاصله دارد.

حال آیا در سیستم تامین اجتماعی به اصطلاح "جامع" جمهوری اسلامی، اصلا می تواند بحثی و مقایسه ای حتا با سیستم تامین اجتماعی جامع مورد نظر سوسیال دمکرات های اروپایی که زمانی در زمینه های بهداشتی، درمانی، بیکاری، مسکن، کمک های اجتماعی، بارداری، رفاهی، آموزشی، ورزشی و تفریحی، سالمدنان، کودکان و غیره وغیره مطرح می کردند، در میان باشد؟

قطعا هرگز خواهد گفت که اصلا سؤالی بیهوده است. چون همین دولت و مجلس کنونی، میلیون ها کارگر را با خارج کردن از شمول قانون کار، از حداقل بسیارناچیزی هم که می توانستند برخودار باشند، محروم کرد. حال میلیون ها کارگر کارگاه های زیر ۱۰ نفر بدون برخوداری حتا از حداقل بیمه های اجتماعی، باید ۷ روز هفته را آن گونه که سرمایه دار می خواهد، کارکنند و روزی هم که نخواست، گرسنه به خیابان ها پرتاپ شوند.

بنابراین نظام تامین اجتماعی "جامع" جمهوری اسلامی که ادعا می شود وزارت خانه جدیدی برای تحقق اش ایجاد شده است، اگر چیزی کمتر از آن چه که امروز به نام تامین اجتماعی از آن نام برده می شود، نباشد، فراتر از آن نخواهد بود. این را کارگران نیزیه خوبی می دانند و از این جهت می توان گفت که دیگر بدین طریق نمی توان کارگران را فربیض داد. رژیم هم این را می داند. پس هدف اصلی رژیم از ایجاد این وزارت خانه جدید چیست؟ اولاً- ادامه تلاش های رژیم برای متمرکز ساختن ارگان ها و نهادهای موافق است که این کار را از مدت ها پیش اغاز کرده است. ثانیاً- ادامه کشمکش ها و رقابت های جناح های صفحه ۶

عظیم. گیریم که این ثروت عظیم در دست مشتری از انحصار سرمایه داری فرار گرفته است و میلیون ها انسان زحمتکش در فقر و محرومیت زندگی کنند. اگر از سازمان ما سؤال شود که رفاه یعنی چه و آن را چگونه می بینید؟ پاسخ خواهد داد که رفاه های وسیع مردم است و زندگی می توان از رفاه و خوشبختی مردم سخن به میان آورد که طبقات فقیر و غنی، ستمگر و ستمدیده وجود نداشته باشند. هر کس به قدر توانایی اش کار کند و به قدر نیازش دریافت کند. ساعت فراغت بیشتری داشته باشد و انسان های آزاد و برابر بتوانند استعداد ها و توانایی های خود را شکوفا سازند.

اگر از یک سلطنت طلب ایرانی سؤال شود که رفاه یعنی چه؟ پاسخ خواهد داد، همان چیزی است که در دوران رژیم شاه وجود داشت و مردم در رفاه و آسایش زندگی می کردند.

اگر از یک سوسیال دمکرات اروپایی سؤال شود، اونیز پاسخ خواهد داد که رفاه همان چیزی است که اکنون در اروپا وجود دارد، یا چپ ترین جناح آن پاسخ خواهد داد که همان "دولت رفاه عموم" سالهای پیش است که در اروپا وجود داشت. اگر از سران جمهوری اسلامی پرسیده شود که رفاه مورد نظرشما چیست؟ همان پاسخی را خواهند داد که مکررا از زبان امثال خانم های رفسنجانی ها، هاشمی ها، هاشمیه شده است. الحمد لله از وقتی که جمهوری اسلامی در ایران برقرار شده است، مردم در رفاه و آسایش زندگی می کنند.

بنابراین روشن است که در این وزارت خانه جدید، دست به نقد "رفاه" بودنش، یک حرف مفت و مجانية است. حال ببینیم "تامین اجتماعی" بودنش که آن هم بنا است از نوع "جامع" آن باشد، از چه قرار است. وقتی که کسی عبارت "سیستم تامین اجتماعی جامع" را می شنود و در عین حال متوجه این مسئله هم هست که می خواهد در یک جامعه سرمایه داری به مرحله اجرا در آید، قبل از هر چیز شعار سوسیال دمکرات های اروپایی چند دهه پیش به ذهن شن متبار می شود، که خواهان برقراری یک سیستم تامین اجتماعی جامع، بودند.

سوسیال دمکرات اروپایی می خواست، این مطالبه و این شعار را با حفظ نظام سرمایه داری و سازش کار و سرمایه عملی سازد.

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

|http://www.fedaian-minority.org|



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 419 dec 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت سورائی